

## نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبرستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهله سیل‌زده شهرستان آق‌قلاء

The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of post-traumatic stress disorder in married women flooded in Aq Qala city

Sona Khakpour

PhD student in Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

Afsaneh Khajevand khoshali \*

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran. [khajevanda@gorganiau.ac.it](mailto:khajevanda@gorganiau.ac.it)

Ramazan Hassanzadeh

Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.

Javanshir Asadi

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

سونا خاکپور

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.

افسانه خواجه‌نده خوشلی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.

رمضان حسن‌زاده

استاد گروه روان‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران.

جوانشیر اسدی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

### Abstract

The purpose of this study is to determine the mediating role of early maladaptive schemas in relation to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of post-traumatic stress disorder in married women flooded in Aq Qala city. The research method was a descriptive correlation. The statistical population included women married women who flooded in Aqqala city in 2019 and who had health records in urban health centers and rural health houses. Were selected 379 people by cluster sampling. The research tool consisted of four questionnaires; the post-traumatic stress disorder checklist (PCL) Weathers et al. (1993), the defense styles questionnaire (DSQ) Andrews et al. (1999), the adult attachment questionnaire (AAQ) Hazan and Shaver (1987) and schema questionnaire short form (YSQ SF) Young (1994). Used structural equation analysis to data analyze. The results showed that was significant the direct effect of secure attachment ( $P = 0.02$ ) and neuroprotective defense mechanisms ( $P = 0.006$ ) and the indirect effect of anxiety attachment and underdeveloped defense mechanisms mediated by early maladaptive schemas on the symptoms of post-traumatic stress disorder. It was significant from the accident ( $P = 0.01$ ). Although no significant effect was observed for avoidant attachment and developed defense mechanisms, the research model had a good fit. The result of the research showed the explanatory role of early maladaptive schemas in the symptoms of post-traumatic stress disorder in women living in Aq Qala with regard to attachment and defense mechanisms.

**Keywords:** post-traumatic stress disorder, Attachment, Flooded married women, Early maladaptive schemas, Defense mechanism.

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبرستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهله سیل‌زده شهرستان آق‌قلاء بود. روش پژوهش توصیفی – همبستگی بود. جامعه آماری شامل زنان متأهله سیل‌زده شهرستان آق‌قلاء در سال ۳۹۸ بود که در مراکز بهداشت شهری و خانه‌های بهداشت روستایی، دارای پرونده سلامت بودند. تعداد ۳۷۹ نفر به روش نمونه‌گیری خوشای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل فهرست اختلال استرس پس از ضربه (PCL) و درز و همکاران (۱۹۹۳)، پرسشنامه سبک‌های دفاعی (AAQ) هازان و شاور همکاران (۱۹۹۳)، پرسشنامه دلبرستگی بزرگسالان (AAQ) هازان و شاور (۱۹۸۷) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ SF) یانگ (۱۹۹۴) از تحلیل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر مستقیم دلبرستگی یمن ( $P=0.006$ ) و مکانیزم‌های دفاعی روان‌نجو ر (۰.۰۲) و اثر غیرمستقیم دلبرستگی اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدناپایته با میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه معنادار بود ( $P=0.01$ ). اگرچه اثر معناداری برای دلبرستگی اجتنابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدناپایته مشاهده نشد، اما مدل پژوهش از برآش مطلوبی برخوردار بود. نتیجه پژوهش بیانگر نقش تبیین-کننده طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان ساکن آق‌قلاء با توجه به دلبرستگی و مکانیزم‌های دفاعی بود.

**واژه‌های کلیدی:** اختلال استرس پس از سانحه، دلبرستگی، زنان متأهله سیل‌زده، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، مکانیزم دفاعی

## مقدمه

بر اثر بارش‌های شدید از اوخر اسفند ۱۳۹۷ تا اویل فروردین ۱۳۹۸ در استان گلستان و به ویژه شهرستان آق قلا با توجه به اینکه در مسیر رودخانه گرگان‌رود قرار داشتند، خسارت‌های سنگینی از سیل را متتحمل شدند (رجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). نتایج یک بررسی نشان داد که حداقل ۷۷ درصد از نمونه مورد مطالعه از سیل زده‌گان استان گلستان علائم اختلال استرس پس از سانحه را در سطح متوسط و بیش از ۱۵ درصد در سطح شدید داشتند (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۸). به طور کلی نیز به نظر می‌رسد که زنان در مقایسه با مردان آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل استرس نشان می‌دهند (جین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). طبق راهنمای تشخيصی و آماری اختلال‌های روانی، اختلال استرس پس از سانحه مستلزم این است که فرد در معرض یک رویداد آسیب‌زا بزرگ و یا مشاهده آن قرار گیرد (معیار A). برای چنین فردی، چهار دسته از علائم وجود دارد که باید بعد از گذشت یک ماه آشکار شود. اول، لازم است حداقل یکی از علائم زیر را تجربه مجدد کند: خاطرات ناراحت کننده مزاحم، رویاهای ناراحت کننده مکرر، پریشانی روانی شدید یا طولانی در مواجهه با یادآوری تروما (ملک B). فرد باید از یادآوری‌های درونی (مثلًاً افکار، خاطرات) و/یا بیرونی (مثلًاً موقعیت‌ها، گفتگوها) تروما اجتناب کند (ملک C). حداقل دو علامت "تغییر در شناخت و خلق" مورد نیاز است (برای مثال کاهش قابل توجه علاقه، احساس بیگانگی از دیگران و ناتوانی در تجربه احساس‌های مثبت) (ملک D). در نهایت، فرد باید حداقل دو مورد از علائم برانگیختگی زیر را ارائه دهد: رفتار تحریک‌پذیر و طغیان عصبانیت، رفتار بی‌پروا یا خود ویرانگر، هوشیاری بیش از حد، واکنش مبالغه‌آمیز میهوش کننده، مشکلات تمرکز، اختلال خواب (ملک E) (انجمن روان‌پژوهی آمریکا، ۲۰۱۳). سیل عامل مسعد کننده نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه است و عوامل روان‌شناختی و خانوادگی در شیوع این علائم نقش غیرقابل انکاری دارند (مائو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). به نظر می‌رسد نظریه دلبستگی با توجه به دیدگاهی که در مورد توانایی افراد در پاسخ مثبت به استرس و دریافت حمایت از جانب دیگران دارد، احتمالاً در تبیین استرس پس از سانحه مفید باشد (مارشال و فرزیر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹).

نظریه دلبستگی<sup>۴</sup> درک پژوهشگران را از بقا در طول عمر آگاه کرده است و همین امر زمینه را برای بررسی رابطه بین دلبستگی و علائم استرس پس از سانحه فراهم آورده است، چرا که حوادث آسیب‌زا تهدید کننده بقا و دلبستگی افراد است (بارازون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). بررسی عصب‌شناختی نیز حاکی از ارتباط بین دلبستگی و کیفیت پاسخگویی به استرس بوده است؛ به گونه‌ای که دلبستگی با واکنش‌های متمایز فیزیولوژیکی به استرس، از جمله پاسخ‌های مربوط به مراکز مغزی معمولی است و سیستم ایمنی بدن ارتباط دارد (پایتروموناکو و پاورس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). تعامل با مراقبین عمدهاً حساس/پاسخگو منجر به دلبستگی ایمن می‌شود که منجر به رشد پناهگاه و پایگاه‌های امن برقراری ارتباط مورد نیاز برای افراد می‌گردد. اجتناب یک بعد دلبستگی نایمن است که میزان بی‌اعتمادی فرد به نیات دیگران و تلاش تدافعی برای حفظ استقلال رفتاری و عاطفی را منعکس می‌کند. بعد دیگر اضطراب است که میزان نگرانی فرد از عدم حمایت دیگران را نشان می‌دهد (چرنایک<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). نشان داده شده که افراد با دلبستگی نایمن از ظرفیت‌های کمتری برای تنظیم استرس برخوردار هستند و ترشحات کورتیزول بیشتری را نشان می‌دهند (اسکستین - مادری<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). اعتقاد بر این است که دلبستگی ایمن باعث افزایش انعطاف‌پذیری و محافظت از فرد در شرایط استرس‌زا می‌شود (سیمپسون و رهولس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). همانند دلبستگی، مکانیزم‌های دفاعی نیز ریشه در رشد اولیه افراد دارد و می‌تواند با آسیب‌هایی نظیر استرس پس از سانحه مرتبط باشد (دی گیسپ<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

۱ Jin

۲ American Psychiatric Association

۳ Mao

۴ Marshall & Frazier

۵ attachment

۶ Barazzzone

۷ Pietromonaco & Powers

۸ Cherniak

۹ Eckstein-Madry

۱۰ Simpson & Rholes

۱۱ Di Giuseppe

مکانیزم‌های دفاعی<sup>۱</sup> یک بخش قدرتمند از ظرفیت انسان برای حفظ و تعادل حیات روانی است و بدون آن ذهن نسبت به ورودی‌های هیجانی منفی مانند اضطراب و استرس آسیب‌پذیر می‌گردد (کونل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). مکانیسم‌های دفاعی به عنوان عملیات ذهنی ناخودآگاه که تعارض‌های داخلی و خارجی را به طور ضمیم تنظیم می‌کند، مفهوم‌سازی می‌گردد (کرامر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). مکانیسم‌های دفاعی با توجه به عملکردشان در زنجیره‌ای از مکانیزم‌های رشدیافتة، روان‌رنجور، تارشدنایافتة طبقه‌بندی می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی رشدیافتة مانند شوخ طبعی به فرد کمک می‌کند تا با تجارب ناخوشایند مانند دوسوگرانی‌ها یا واقعیت‌های ناراحت کننده مقابله کند. آنها را می‌توان به طور انعطاف‌پذیر مورد استفاده قرار داد. مکانیزم‌های روان‌رنجور نیز به طور ناخودآگاه برای تنظیم پریشانی عاطفی به کار می‌رود. برخلاف دفاع‌های رشدیافتة، هدف آنها اجتناب از تجربه هیجان‌های ناراحت کننده است. زمانی که با انعطاف به کار می‌رود می‌توانند مفید باشند، اما به طور معمول با تجربه درونی پریشانی روانی مرتبط هستند. دفاع‌های رشد نایافتة، مکانیسم‌هایی هستند که برای حذف تأثیرات عاطفی تهدیدکننده بالقوه از طریق دفاع‌هایی مانند فرافکنی عمل می‌کنند. برخلاف دفاع‌های رشدیافتة که در سطح درون روانی عمل می‌کنند، دفاع‌های رشد نایافتة عمدها به صورت بین‌فردي به کار می‌روند، بنابراین از دیگران برای تنظیم (ناخودآگاه) پریشانی عاطفی خود استفاده می‌کنند (وایلت<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۸۶، به نقل از کامپ<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). استفاده غالب از این مکانیسم‌های دفاعی به شدت با مشکلات رابطه، اختلالات روانپزشکی و آسیب روانی مرتبط است (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۲۰؛ دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۸). در مقابل به نظر می‌رسد که دفاع‌های رشدیافتة از افراد در مقابل شرایط استرس‌زا محافظت کرده و مانع از افزایش تجارب ناخوشایند روان‌شناختی می‌گردد (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۹).

این دیدگاه وجود دارد که دلیستگی با واسطه اثرگذاری بر طرح‌ها و پردازش‌های هیجانی و شناختی بر متغیرهای دیگر اثر می‌گذارد (چرنایک و همکاران، ۲۰۲۱) و مکانیزم‌های دفاعی نیز بر حسب انعطاف‌پذیری و تغییر در عواطف این اثرگذاری را اعمال می‌کند (کامپ و همکاران، ۲۰۲۱). یانگ (۱۹۹۹، به نقل از زینل و اوزر<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰) طرحواره‌های ناسازگار اولیه (EMS)<sup>۷</sup> را در جهت معرفی همین پردازش‌ها و طرح‌های هیجانی و شناختی ارائه کرد که ریشه در آسیب‌های دوران کودی و نیازهای برآورده نشده دارد و می‌تواند منجر به رفتارها و هیجان‌های مختلف کننده شوند. طرحواره‌ها ساختارهای ذهنی سفت و سختی هستند که شامل هیجان‌ها، شناخت‌ها و خاطراتی است که با الگوهای مداوم تجربیات آسیب رسان شکل گرفته و حفظ می‌شوند. ۱۵ طرحواره در قالب ۵ حوزه مورد بررسی و تایید قرار گرفته‌اند که عبارتند از (وتینگ<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۷): ۱- حوزه بریدگی و طرد (محرومیت هیجانی، رهاشدگی بی‌ثبتاتی، بی‌اعتمادی بدرفتاری، انزوای اجتماعی بیگانگی، نقص/ شرم)، ۲- خودگردانی و عملکرد مختلف (شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتاری/ خویشتن تحول نیافتة)، ۳- دیگر جهت‌مندی (اطاعت و ایثارگری)، ۴- گوش بزنگی بیش از حد و بازداری (بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه) و ۵- محدودیت‌های مختلف (استحقاق ابزرگ منشی و خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی)، فراتر از دیدگاه‌های نظری نیز یافته‌های بدست آمده از برخی پژوهش‌ها حاکی از رابطه معنادار سبک‌های دلیستگی (بلک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۹؛ بربانت<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) و مکانیزم‌های دفاعی (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نصیرزاده و کراسکیان، ۱۳۹۵) با طرحواره‌های ناسازگار اولیه بوده و برخی از پژوهش‌ها نیز بیانگر رابطه معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه با استرس پس از سانحه بوده است (بشارت و همکاران، ۱۳۹۳؛ گنجی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سالا<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۱۵؛ والبورگ و چیاراملو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۵). با وجود این نتایج پژوهشی، این خلا و وجود دارد که روابط ساختاری میان

1 defense mechanisms

2 Knoll

3 Cramer

4 Vaillant

5 Kampe

6 Zeynel & Uzer

7 early maladaptive schemas (EMS)

8 Oettingen

9 Black

10 Bryant

11 Sala

12 Walburg & Chiaramello

نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلپستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل زده شهرستان آق قلا  
The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of ...

این متغیرها مورد بررسی قرار نگرفته است، البته برخی از پژوهش نقش میانجی معناداری برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه میان دلپستگی و با دیگر متغیرها را نشان داده‌اند (کایا و آیدن<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱؛ واسیلوپولو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). در مجموع به نظر می‌رسد که نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در افراد سیل زده شهرستان آق قلا نگران کننده باشد و این مسئله برای زنان حادتر است، چرا که به نظر می‌رسد آسیب‌پذیری بیشتری در مقایسه با مردان در قبال رویدادهای استرس‌زا دارند. بر همین اساس ضروری است که متغیرهای مرتبط و تبیین کننده نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در این جمعیت مورد بررسی قرار گیرد، تا بتوان مداخله‌ها و آموزش‌های مناسب طراحی و برای این جمعیت آسیب دیده از حوادث مشابه آینده اجرا گردد. همچنین بررسی پژوهش‌ها بیانگر این بود که اگر چه روابط میان سبک دلپستگی و مکانیزم‌های دفاعی تا حدودی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه با واکنش به استرس مورد بررسی قرار گرفته است، با این حال این خلاصه وجود دارد که روابط ساختاری آنها با وجود مبانی نظری و پژوهشی لازم مورد بررسی قرار نگرفته است. بر همین اساس پژوهش حاضر در جهت پاسخ به ضرورت‌ها و خلاصه بیان شده، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه میان سبک‌های دلپستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل زده شهرستان آق قلا صورت گرفت.

## روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل ۲۰ تا ۵۰ سال شهرستان آق قلا (اعم از ساکنان مناطق شهری و روستایی) بودند که در جریان سیل بهار ۱۳۹۸ ساکن این شهرستان بوده و در مراکز بهداشت شهری و خانه‌های بهداشت روستایی، دارای پرونده سلامت بودند که بر اساس داده‌های موجود این تعداد تقریباً ۳۰ هزار نفر بوده که حجم نمونه لازم با توجه به جدول کریسی و مورگان<sup>۳</sup>، ۳۷۹ نفر است. روش نمونه‌گیری به صورت خوشهای چند مرحله‌ای بود که طی آن شهرستان آق قلا و روستاهای تابعه به عنوان خوشه اصلی در نظر گرفته شدند. سپس با توجه به توزیع جمعیتی مبتنی بر داده‌های موجود در مراکز بهداشت شهری و روستایی، نمونه موردنظر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: رضایت از شرکت در پژوهش، حداقل سواد خواندن و نوشتن برای شرکت در پژوهش (اتمام پنج کلاس ابتدایی)، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکی (براساس اظهار نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش)، عدم تجربه طلاق در یکسال گذشته، عدم فوت وابستگان درجه یک در ۶ ماه گذشته، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی تشخیص‌گذاری شده (طبق اظهارنظر شرکت کنندگان در پژوهش). ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت بودند از: عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از سوالات یکی از پرسشنامه‌ها و درخواست انصراف از پژوهش در حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها. ملاحظات اخلاقی شامل هماهنگی و کسب احازه برای ورود به محیط پژوهش، رضایت از شرکت در پژوهش، محرومانه ماندن اطلاعات فردی و کسب رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش بود. داده‌ها با استفاده مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ابزار سنجش

فهرست اختلال استرس پس از ضربه (PCL)<sup>۴</sup>: فهرست اختلال استرس پس از ضربه، یک مقیاس خود گزارش‌دهی است که توسط درز<sup>۵</sup> و همکاران در سال ۱۹۹۳ برای ارزیابی میزان اختلال استرس پس از سانحه و غربالگردان این بیماران از افراد عادی و سایر بیماران با ۱۷ پرسش ساخته شد. نمره‌گذاری فهرست بر روی لیکرت ۵ درجه‌ای (اصلاً = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) با دامنه نمرات ۱۷ تا ۸۵ است. این فهرست عالیم تجربه مجدد، عالیم اجتنابی و عالیم بر انگیختگی شدید را مورد بررسی قرار می‌دهد. سازندگان میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و میزان روایی همگرای این فهرست را با مقیاس رویارویی با جنگ ۰/۴۸ و با مقیاس اثر حادثه ۰/۹۰ گزارش داده‌اند که در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده است. در ایران گودرزی (۱۳۸۲) نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳ و ضریب تصنیف آن ۰/۸۳ است.

1 Kaya & Aydin

2 Vasilopoulou

3 Krejcie & Morgan

4 post traumatic stress disorder checklist (PCL)

5 Weathers

همچنین روایی همگرایی فهرست با فهرست وقایع زندگی ۳۷/۰ بدست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۸۹ بود.

**پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ):** پرسشنامه سبک‌های دفاعی توسط اندرز و همکاران (۱۹۹۳) به منظور سنجش سبک‌های دفاعی در افراد طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال و سه بعد رشد یافته، روان‌نجر و رشد نایافته مکانیزم‌های دفاعی را بر اساس طیف ۹ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۹) ارزیابی می‌کند. سازنده‌گان میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۵ را برای آزمون ۵/۶-۰/۰۲۱ را برای هر سه عامل با بازه زمانی ۱۸ روز گزارش کرده‌اند. همچنین سازنده‌گان روایی ۰/۸۵ و ضریب آزمون - بازآزمون ۰/۵۶ را برای اجتماعی معنادار گزارش کرده‌اند (در ایران حیدری‌نسب و همکاران ۰/۰۰۱ تا ۰/۳۴ ۲=۰/۸۸). در ایران ۰/۰۰۱ تا ۰/۴۰ (P<۰/۰۱) گزارش (۱۳۸۶) روایی همگرایی میان پرسشنامه پنج عاملی شخصیت و پرسشنامه سبک‌های دفاعی را بین ۰/۲۱ تا ۰/۷۹ دادند. همچنین پایابی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۹ و ضریب بازآزمایی را به فاصله دو هفته ۰/۷۵ تا ۰/۷۹ دادند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای سه عامل پرسشنامه بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۱ بود.

**پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (AAQ):** پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان توسط هازان و شاور (۱۹۸۷) ساخته شده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۸ ماده که بر روی یک لیکرت ۵ درجه‌ای (به هیچ وجه با خصوصیات من تطبیق ندارد = ۱ تا کاملاً با خصوصیات من تطبیق دارد = ۵) پاسخ داده می‌شود و سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را ارزیابی می‌کند. سازنده‌گان ضمن تایید روایی سازه مدل سه عاملی پرسشنامه، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ را برای عامل‌های پرسشنامه گزارش کرده‌اند. همچنین سازنده‌گان همسانی درونی ۰/۶۹-۰/۷۵ را برای پرسشنامه گزارش کرده‌اند. همچنین بونفیلد<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) ضمن تایید روایی عاملی پرسشنامه (RAMSEA = ۰/۰۳) مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۳ تا ۰/۸۳ را برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه گزارش داده است. در ایران پاکدامن (۱۳۸۰) ضمن تایید روایی محتوایی پرسشنامه، پایابی پرسشنامه را به صورت بازآزمایی بین ۰/۳۶ تا ۰/۷۲ برای سه عامل پرسشنامه گزارش کرده است. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای سه عامل پرسشنامه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۹ بود.

**فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ SF):**<sup>۲</sup> یانگ و براون<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) این پرسشنامه را از روی فرم پرسشنامه اصلی و ۲۰۵ سوالی طراحی کرد. فرم کوتاه دارای ۷۵ سوال شش گزینه‌ای است. طریقه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت شش گزینه‌ای است (کاملاً غلط = ۱ تا کاملاً درست = ۶). فرم کوتاه این پرسشنامه ۱۵ طرحواره را با ۵ حوزه را می‌سنجد که عبارتند از: ۱- حوزه بریدگی و طرد (گویه‌های ۱ تا ۲۵)، ۲- خودگردانی و عملکرد مختلط (گویه‌های ۲۶ تا ۴۵)، ۳- دیگر جهتمندی (گویه‌های ۴۶ تا ۵۵)، ۴- گوش بزنگی بیش از حد و بازداری (گویه‌های ۵۶ تا ۶۵) و ۵- محدودیت‌های مختلط (گویه‌های ۶۶ تا ۷۵). برای پایابی خرده مقیاس‌های پرسشنامه آلفای کرونباخ از ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ و برای نمره کل ۰/۹۶ بدست آمده و روایی واگرایی معناداری با پرسشنامه‌های خودگارآمدی (۰/۴۱ = ۰/۰۱) داشته است (اوینیگن و همکاران، ۲۰۱۷). در ایران پایابی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۳ و نمره کل آن ۰/۸۶ بدست آمده است (نعمی و پورمیدانی، ۱۳۹۶). همچنین در تایید روایی واگرایی، ضرایب همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه عزت نفس (۰/۳۶ = ۰/۱ و ۰/۰۱) معنادار بوده است (دیوانداری و همکاران، ۱۳۸۸)، به نقل از، نعمی و پورمیدانی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای نمره کل پرسشنامه و ۵ حوزه طرحواره بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۱ بود.

## یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۳۷۹ زن شرکت کننده در پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت کننده‌گان به ترتیب برابر ۷/۳۶ و ۳۸/۷۸ است و فراوانی (درصد فراوانی) سطح تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و بالاتر به ترتیب (۳۰۰، ۸۲)،

1 adult attachment questionnaire (AAQ)

2 Bodfield

3 Young Schema Questionnaire Short Form (YSQ SF)

4 Young & Brown

نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق قلا  
The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of ...

۳۰) (۸) و ۳۹) (۱۰) نفر است. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و همبستگی آنها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارائه شده است.

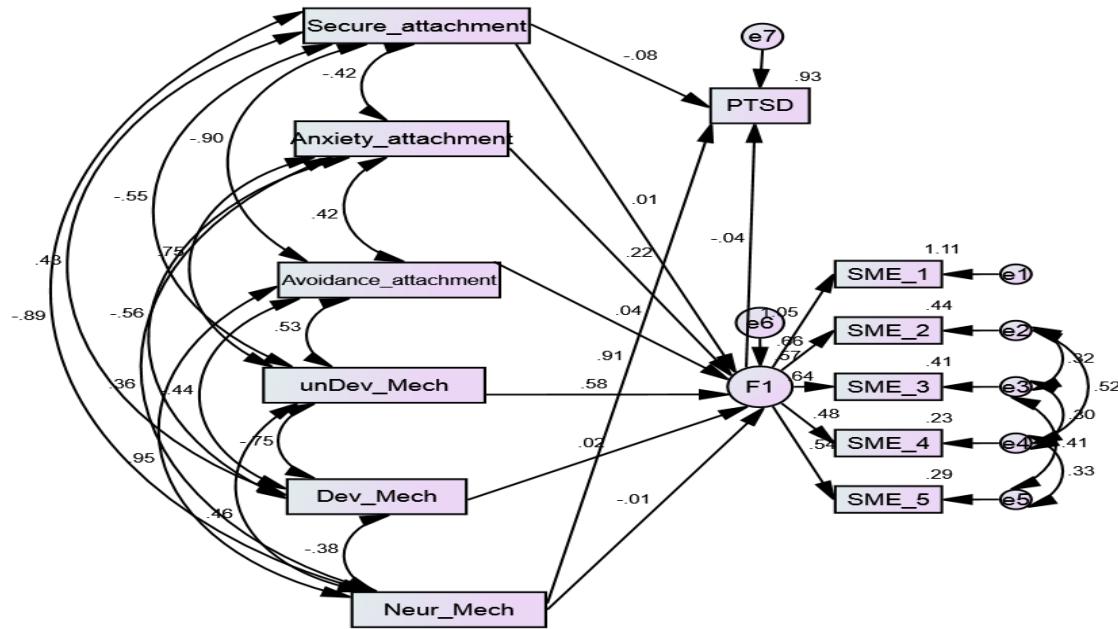
جدول ۱. نتایج شاخص‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- ایمن								
۲- اجتنابی	-۰/۴۲**							
۳- اضطرابی	-۰/۹۰**	-۰/۴۲**						
۴- رشدیافته	۰/۴۳**	-۰/۵۶**	-۰/۴۴**					
۵- رشدنایافته	-۰/۵۵**	۰/۷۵**	۰/۵۳**	-۰/۷۵**				
۶- روان‌رنجور	۰/۸۹**	۰/۳۶**	۰/۴۶**	-۰/۳۸**	-۰/۴۶**			
۷- طرحواره‌های ناسازگار	-۰/۴۱**	۰/۴۱**	-۰/۵۲**	۰/۶۵**	۰/۳۶**	-۰/۹۱**	-۰/۳۴**	
اویله								
۸- استرس پس از سانحه	-۰/۷۷**	-۰/۷۹**	-۰/۳۵**	-۰/۴۳**	-۰/۷۶**	-۰/۳۴**	-۰/۰۱ =**	
میانگین	۱۵/۲۸	۱۵/۱۸	۱۴/۱۴	۵۵/۸۵	۵۱/۰۶	۴۸/۹۹	۲۴۶/۱۳	۴۶/۷۲
انحراف معیار	۲/۹۲	۲/۳۸	۲/۸۳	۱/۰۶	۶/۷۴	۶/۹۹	۶/۴۶	۵/۷۲
کجی	۰/۰۰۴	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۳۵	-۰/۵۰	-۰/۵۹	-۰/۵۸	-۰/۹۱
کشیدگی	-۰/۴۴	-۰/۶۷	-۰/۰۸	-۰/۴۰	-۰/۲۹	۱/۱۰	-۰/۳۵	-۰/۲۶

$$P < 0/05 =^* \quad P < 0/01 =^{**}$$

نتایج بدست آمده در جدول ۱ نشان می‌دهد که استرس پس از سانحه با هر سه سبک دلبستگی ایمن ( $P < 0/77$ )، اضطرابی ( $P < 0/91$ ) و اجتنابی ( $P < 0/29$ ) و هر سه مکانیزم دفاعی رشد نایافته ( $P < 0/35$ ) و رشد نایافته ( $P < 0/43$ ) و روان‌رنجور ( $P < 0/76$ ) رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با هر سه سبک دلبستگی ایمن ( $P < 0/41$ )، اضطرابی ( $P < 0/58$ ) و اجتنابی ( $P < 0/41$ ) و هر سه مکانیزم دفاعی رشد نایافته ( $P < 0/41$ )، رشد نایافته ( $P < 0/65$ ) و روان‌رنجور ( $P < 0/36$ ) و استرس پس از سانحه ( $P < 0/34$ ) و استرس پس از سانحه ( $P < 0/01$ ) رابطه معناداری دارد.

با توجه به اینکه شاخص کجی و کشیدگی بدست آمده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ همگی در محدوده ۰/۰۱ تا ۰/۰۵ قرار دارند، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط تقریباً نرمالی قرار دارند. همچنین نتایج جدول ۱ نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی رابطه معناداری دارند ( $P < 0/01$ ) و از سویی دیگر نیز استرس پس از سانحه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت و معناداری دارد ( $P < 0/01$ )، بنابراین پیش‌فرض رابطه معنادار میان متغیر میانجی با متغیرهای درون‌زا و بروزن‌زا مدل رعایت شده است. همچنین برای بررسی پیش‌فرض استقلال خطاهای از آزمون دوربین – واتسون استفاده شد که مقدار آن ۱/۶۷ بود که در محدوده قابل قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت. همچنین از آماره تحمل و تورم واریانس برای بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش‌بین پژوهش استفاده شد که نتایج نشان داد آماره تحمل کمتر ۰/۱۰ و تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ برای متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد که حاکی از رعایت پیش‌فرض عدم همخطی میان متغیرها است. در شکل ۱ مدل برآشش شده پژوهش ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاحی پژوهش

پی‌نوشت ۱: دلیستگی این = دلیستگی اضطرابی = Anxiety.Attchmnt = امنیتی اجتنابی = Avoidance.attchmnt. دلیستگی دفاعی رشد یافته = مکانیزم دفاعی رشدنایافته = unDev\_Mech. مکانیزم دفاعی روان‌نحو = Dev\_Mech. طرحواره‌های ناسازگار اولیه = F1. طرحواره‌های حوزه بزیدگی و طرد = SME\_1. طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختلف = SME\_2. طرحواره‌های حوزه دیگرچهتمندی = SME\_3. طرحواره‌های حوزه گوش به زنگی = SME\_4. طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختلف = SME\_5. آسیب پس از سانحه = PTSD.

در ابتدا مدل پیشنهادی پژوهش مبنی بر "رابطه سبک‌های دلیستگی و مکانیزم‌های دفاعی با رشد پس از سانحه با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه" مورد بررسی قرار گرفت. اما از برآش مطلوبی برخوردار نبود ( $RAMSE=0.15$ ). بر همین اساس برای اصلاح مدل مسیرهای اثر مستقیم دلیستگی اضطرابی ( $P=0.05$  و  $\beta=-0.07$ )، دلیستگی اجتنابی ( $P=0.03$  و  $\beta=0.003$ )، مکانیزم‌های دفاعی رشد نیایافته ( $P=0.04$  و  $\beta=0.04$ ) و رشدیافته ( $P=0.047$  و  $\beta=0.047$ ) بر استرس پس از سانحه که معنادار نبودند، از مدل کنارگذاشته شد و مبتنی بر شاخص‌های اصلاحی پیشنهاد شده توسط نرم‌افزار AMOS برخی از مقادیر خطای حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه با پیکان دو جهت به یکدیگر متصل گردیدند. نگاره مدل اصلاحی در شکل ۱ ارائه شده است. در جدول ۲ نتایج بررسی اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش بر استرس پس از سانحه ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش بر استرس پس از سانحه در مدل اصلاحی پژوهش

P	مقدار تی	اندازه اثر استاندارد	اثر غیر استاندارد	مسیر مستقیم
.0/.89	.0/.18	.0/.01	.0/.10	اثر دلیستگی این بر طرحواره‌های ناسازگار
.0/.009	.5/.08	.0/.22	.1/.45	اثر دلیستگی اضطرابی بر طرحواره‌های ناسازگار
.0/.79	.0/.35	.0/.04	.0/.27	اثر دلیستگی اجتنابی بر طرحواره‌های ناسازگار
.0/.75	.0/.42	.0/.02	.0/.05	اثر مکانیزم‌های رشد نایافته بر طرحواره‌های ناسازگار
.0/.004	.10/.20	.0/.91	.1/.21	اثر مکانیزم‌های رشد نایافته بر طرحواره‌های ناسازگار
.0/.97	-.0/.06	-.0/.005	.0/.02	اثر مکانیزم‌های روان‌نjour بر طرحواره‌های ناسازگار
.0/.02	-.2/.47	-.0/.08	-.0/.13	اثر دلیستگی این بر استرس پس از سانحه
.0/.004	.29/.74	.0/.91	-.0/.13	اثر مکانیزم‌های دفاعی روان‌نjour بر استرس پس از سانحه
.0/.005	.0/.47	.0/.04	.0/.67	اثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر استرس پس از سانحه

نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق قلا  
The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of ...

نتایج بدست آمده از جدول ۲ نشان داد که دلبستگی ایمن، مکانیزم‌های دفاعی روان‌نじور و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده  $-0.08$  ( $P=0.02$ ),  $0.04$  ( $P=0.05$ ) و  $0.04$  ( $P=0.06$ ) اثر مستقیم معناداری بر استرس پس از سانحه دارند. همچنین اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدنایافته بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده  $0.09$  ( $P=0.04$ ) و  $0.09$  ( $P=0.04$ ) معنادار بود. در جدول ۳ نتایج اثرات غیر مستقیم به روش بوت استرالپ ارائه شده است.

**جدول ۳. نتایج اثرات غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی بر استرس پس از سانحه در مدل اصلاحی پژوهش**

متغیر	اثر غیر					
	P	اندازه اثر	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	استاندارد
سبک	$0.83$	$0.004$	$-0.005$	$-0.001$	$-0.001$	ایمن_ طرحواره ناسازگار_ استرس پس از سانحه
دلبستگی	$0.005$	$-0.003$	$-0.02$	$-0.008$	$-0.01$	اضطرابی_ طرحواره ناسازگار_ استرس پس از سانحه
اجتنابی	$0.66$	$0.004$	$-0.009$	$-0.001$	$-0.002$	طرحواره ناسازگار_ استرس پس از سانحه
مکانیزم	$0.57$	$0.002$	$-0.004$	$-0.001$	$-0.001$	رشد یافته_ طرحواره ناسازگار_ استرس پس از سانحه
دفاعی	$0.005$	$-0.008$	$-0.04$	$-0.02$	$-0.01$	رشدنایافته_ طرحواره ناسازگار_ استرس پس از سانحه
	$0.96$	$0.006$	$-0.006$	$0.001$	$0.001$	روان‌نじور_ طرحواره ناسازگار_ استرس پس از سانحه

نتایج بدست آمده از جدول ۳ نشان داد که فقط دلبستگی اضطرابی و مکانیزم دفاعی رشد نایافته به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده  $-0.08$  و  $-0.02$  ( $P=0.01$ ) اثر غیرمستقیم معناداری به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر استرس پس از سانحه دارند و اثر غیرمستقیم معناداری برای سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی و همینطور مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته و روان‌نじور مشاهده نگردید ( $P>0.05$ ). در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.

**جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل پژوهش**

شاخص	$\chi^2/df$
ملک برازش	$2 \geq *$
آماره پژوهش حاضر	$3/0.5$

برای برازنده‌گی مدل هر مقدار شاخص برازنده‌گی تقسیم<sup>2</sup>  $x$  بر درجه آزادی کوچکتر از  $3$  باشد، برازنده‌گی مدل بهتر است. مقدار بدست آمده در پژوهش حاضر  $3/0.5$  بود که حاکی از برازش تقریبی مدل بود. همچنین به طور کلی هرچه مقدار CFI، AGFI و GFI به یک نزدیک باشد و حداقل برابر و یا بالاتر از  $0.90$  باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل دارد. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده برای چهار شاخص ذکر شده در پژوهش حاضر یا برابر با  $0.90$  بوده و یا بالاتر بوده، بنابراین بر اساس این شاخص‌ها مدل پژوهش برازش بسیار مطلوبی دارد. برای شاخص RAMSEA نیز مقدار کمتر  $0.08$  بیانگر برازش مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر با  $0.07$  بود. به طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار بدست آمده برای شاخص‌های برازش در سطح مطلوبی قرار دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق قلا بود. نتایج بدست آمده نشان داد دلبستگی ایمن به صورت مستقیم بر نشانه‌های استرس پس از سانحه زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق قلا اثر معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های شیخان و همکاران (۱۳۹۶)، بارازون و همکاران (۱۴۰۱)، پایتروموناکو و پاورس (۱۴۰۱۵) و سیمپسون و رهولس (۱۴۰۱۷) همسو بود. در تبیین این یافته

می‌توان گفت که دلبستگی ایمن در افرادی که دچار یک رویداد استرس‌زا نظریه سیل می‌شوند، احتمالاً می‌تواند به کمک گرفتن از منابع حمایتی و دیگران برای مقابله با شرایط پیش‌آمده و کاهش سطح استرس و تنفس ایجاد شده منجر شود. این امر از آن جهت است که افراد با دلبستگی ایمن برپایه اعتماد و عدم ترس از نادیده گرفته شدن، با پایگاه‌های امنی که در نزد دیگران برای خود متصور هستند، ارتباط برقرار کنند (چنایک و همکاران، ۲۰۲۱). این برقراری ارتباط در شرایط استرس‌زا، احتمالاً با دریافت حمایت و کمک همراه است. بنابراین می‌توان گفت که زنان متأهل آق‌قلاء که دلبستگی ایمن دارند، احتمالاً با برقراری روابط ایمن با دیگرانی که مورد اطمینان هستند، کمک بیشتری را تجربه کرده‌اند و به شکل راحتی با شرایط پیش‌آمده ناشی از سیل کنار آمده‌اند و فشار روانی که ممکن بوده منجر به نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه منجر شود، کمتر تجربه کرده‌اند. علاوه بر این باید به این نکته نیز توجه کرد که دلبستگی ایمن با فعالیت کمتر سیستم‌های عصبی مرتبط با استرس و ترشح کورتیزول همراه است (پایتروموناکو و پاورس، ۲۰۱۵). بنابراین می‌توان این احتمال را داد که دلبستگی ایمن در نمونه مورد مطالعه با توجه به اینکه با ادراک و تنفس و استرس کمتری همراه بوده است، احتمالاً منجر به کاهش ادراک نشانه‌های حداقل بدنه مرتبط با استرس ناشی از سیل پیش‌آمده شده است.

همچنین نتایج نشان داد که دلبستگی اضطرابی به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر نشانه‌های استرس پس از سانحه زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق‌قلاء اثر معناداری دارد. این یافته با نتایج بدست آمده از بلک (۲۰۱۹)، بربانت و همکاران (۲۰۱۷)، گنجی و همکاران (۱۳۹۲) و سالا و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این یافته بدست آمده می‌توان گفت که آسیب دلبستگی اضطرابی با مولفه‌های مانند محرومیت هیجانی، ترس از طرد، حساسیت به طرد شدن بین فردی و مبتتنی بر ظاهر همراه است. این مولفه‌ها تا حدودی هسته هیجانی طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. به عبارتی طرحواره‌ها ناسازگار شامل مقدار زیادی از هیجان‌های آزار دهنده هستند که در نتیجه تجارب آسیب‌زای اولیه آسیب دلبستگی به وجود آمده و در شرایط مختلف و همراه با طرحواره‌ها فعالیت آنها نیز شروع می‌شود (اوینگن و همکاران، ۲۰۱۷). برهمین اساس می‌توان استنباط کرد که دلبستگی اضطرابی با توجه به اینکه با هیجان‌های آزاده‌نده و حساسیت فردی و بین‌فردی همراه است، بنابراین با افزایش فعالیت طرحواره‌های ناسازگار همراه می‌گردد. این امر از آن جهت قابل پذیرش است که دلبستگی اضطرابی با بیش فعال‌سازی سیستم دلبستگی همراه است (چنایک و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین احتمال بیشتری دارد که طرح‌های هیجانی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه را فعال کنند و با افزایش پریشانی منجر به تجربه نشانه‌های استرس پس از سانحه در زنان متأهل آق‌قلاء شده باشد. چرا که افزایش فعالیت طرحواره‌های ناسازگار اولیه همراه با سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و هیجان‌های مختلف کننده است (کی و بارلس<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). بنابراین احتمال دارد برای زنان متأهل آق‌قلاء که تجربه سیل را داشته‌اند، فعالیت طرحواره‌های ناسازگار، منحر به افزایش حساسیت و شدید شدن استرس سیل شده باشد. البته نتایج پژوهش نشان داد که دلبستگی اجتنابی اثر مستقیم و غیرمستقیم معناداری بر نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه ندارد. این امر احتمالاً تا حدودی ناشی از این باشد که افراد با دلبستگی اجتنابی در جهت حفظ استقلال رفتاری و عاطفی عمل می‌کنند و کمتر اجازه تجربه هیجان‌های منفی را می‌دهند (چنایک و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین این احتمال وجود دارد دلبستگی اجتنابی با توجه به اینکه حداقل مانع فعال شدن و اثرگذاری هیجان‌های منفی می‌شود، به صورت معناداری مجر به افزایش نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه نگردد.

نتایج نشان داد که اثر مکانیزم‌های دفاعی روان‌نじور به صورت مستقیم بر نشانه‌های استرس پس از سانحه معنادار بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های دی گیسپ و همکاران (۲۰۲۰)، دی گیسپ و همکاران (۲۰۱۸) و دی گیسپ و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مکانیزم‌های دفاعی همراه با پردازش اطلاعات با توجه به شرایط پیش‌آمده هستند. با توجه به اینکه مکانیزم‌های دفاعی روان‌نじور تا حدودی بیانگر اجتناب‌گری و پاسخ منفعل به شرایط پیش‌آمده است، بنابراین ممکن است با کاهش پاسخ‌های مشبت به شرایط استرس‌زا همراه باشد، چرا که فرد را در موضع منفعل قرار می‌دهد و به جای تلاش در جهت اصلاح شرایط به اجتناب روی می‌آورد. نشانه‌های استرس پس از سانحه به طور مستقیم بعد از سانحه و در کوتاه مدت خودش را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد که به وسیله استفاده افراد از مکانیزم‌های روان‌نじوری مانند اجتناب شناختی و سرکوب تشدید می‌گردد. بنابراین، احتمالاً استفاده از مکانیزم‌های روان‌نじور به عنوان یک استراتژی تسكین دهنده در جهت مقابله با سانحه وارد عمل می‌شوند. اما با توجه به اینکه نمی‌توانند در بلندمدت مانع سازگاری و مقابله کارآمد با رویداد استرس‌آفرین می‌شوند، منجر به گسترش واکنش منفی به رویداد استرس‌زا می‌گردد (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان استنباط کرد که مکانیزم‌های دفاعی روان‌نじور بیشتر در جهت اجتناب و انکار رویدادها که گاها

نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهله سیل‌زده شهرستان آق قلا  
The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of ...

تهدید کننده هستند، عمل می‌کنند و چون درک درست واقعیت را لاحظ نمی‌کنند، احتمال نشانه‌های استرس پس از سانحه که چندان با واقعیت منطبق نیست را بالاتر می‌برند.

نتایج نشان داد که اثرغیر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته بر نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه با میانجی گری طرحواره‌های ناسازگار اولیه معنادار بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، نصیرزاده و کراسکیان (۱۳۹۵) و دی گیسپ و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته با استفاده از راهبردهای مانند انکار و مجزاسازی می‌تواند منجر به رشد واکنش به استرس به صورت منفی گردد، چرا که به صورت غیرانتباقی و با تحریف واقعیت محیطی همراه هستند (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته با افزایش تنش همراه هستند و فرد را در یک وضعیت خطر مدام قرار می‌دهند، بنابراین این احساس عدم امنیت و تنش می‌تواند منجر به فعل شدن طرحواره‌های ناسازگار گردد. در همین رابطه به نظر می‌رسد که مکانیزم دفاعی رشد نایافته با احساس عدم امنیت رابطه دارد (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین این احتمال وجود دارد که مکانیزم دفاعی رشد نایافته با توجه به اینکه منجر به فعل شدن احساس عدم امنیت در طرحواره‌های ناسازگار می‌گردد، به واسطه فعل شدن این طرحواره‌ها که مختل کننده عملکرد و افزایش دهنده عواطف و شناخت‌های منفی از رویدادها است، نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه را در زنان متأهله شهرستان آق قلا افزایش دهند.

در مجموع نتایج بدست آمده نشان داد که اثر مستقیم دلبستگی ایمن و مکانیزم‌های دفاعی و اثر غیرمستقیم دلبستگی اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر نشانه‌ها اختلال استرس پس از سانحه در زنان سیل‌زده شهرستان آق قلا معنادار بود و فقط برای دلبستگی اجتنابی و مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته اثر معناداری مشاهده نگردید. با این حال نتایج بیانگر این مورد بود که دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی به عنوان متغیرهای بنیادی روان‌شناختی می‌توانند تبیین کننده استرس پس از سانحه در زنان شهرستان آق قلا باشد و در این میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند اثرات این متغیرهای بنیادی را به نشانه‌های استرس پس از سانحه انتقال دهند. با توجه به اینکه دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی ساختار پویا و بنیادی شخصیت هستند و ارائه مداخلات در جهت تغییر آنها طولانی مدت و زمان بر است، بنابراین برپایه نتایج بدست آمده می‌توان ارائه مداخله‌های مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه که از لحظه زمانی کوتاه‌مدت‌تر هستند، در زمان وقوع حوادثی از این قبیل در اولویت قرار دارد.

با توجه به اینکه نمونه مورد مطالعه از زنان متأهله شده بود که دارای پرونده سلامت در مراکز سلامت شهرستان آق قلا بود، بنابراین در تعمیم نتایج آن به عموم جمعیت زنان سیل‌زده شهرستان آق قلا محدودیت وجود دارد. همچنین نمونه مورد مطالعه شامل زنان ۲۰ الی ۵۰ سال بود، بنابراین نتایج بدست آمده محدود به این گروه سنی است. با توجه به اینکه نمونه مورد مطالعه شامل زنان بوده، پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی مشابه، نمونه‌ای از مردان مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین نتایج بدست آمده محدود به زنان متاثر از سیل بوده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود، جهت بررسی تعمیم‌پذیری نتایج، پژوهش‌های مشابه بر روی افراد متاثر از دیگر بلایای طبیعی مانند زلزله که در ایران نیز نخ وقوع بالایی دارد، صورت گیرد. از لحظه کاربردی سازمان‌ها و نهادهای خدمات رسان می‌توانند بر پایه نتایج بدست آمده مداخله‌ها و آموزش‌هایی را برای زنان ساکن آق قلا فراهم آورند و یا پروتکل‌های وران‌شناختی شامل بهبود طرحواره‌های ناسازگار اولیه فرآهم آورند تا در موقع اضطراری که حوادثی از این قبیل رخ می‌دهد، مورد استفاده قرار دهند.

## منابع

- آقاجانی، ط؛ اصفهانی خالقی، آ. و ارشاد، ز. (۱۳۹۴). تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با مکانیزم‌های دفاعی بیماران خود /یمن. چهارمین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، تهران.
- بذرافشان، م؛ نیک فر، ط؛ جهانشاهی، ر. و لکزابی، م. (۱۳۹۸). بررسی سطح اختلال استرس پس از سانحه در سیل زدگان استان گلستان در سال ۱۳۹۱. بیستمین کنگره پژوهشی سالیانه دانشجویان علوم پزشکی کشور، کرمانشاه.
- بشارت، م؛ محمدی حسینی نژاد، ا. و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۳). نقش واسطه ای راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ناگویی هیجانی، خشم و نشخوار خشم با سبک‌های دفاعی من. روانشناسی معاصر، ۲۹ (پیاپی ۱۸)، ۴۸-۲۹.
- <https://bjcp.ir/article-1-609-fa.html>
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی درنوجوانی. رساله دکتری روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

رجبی زاده، ی؛ ایوب زاده، س. و ظهیری، ع. (۱۳۹۸). بررسی سیل استان گلستان در سال ۱۳۹۷ و ارائه ی راه کارهای کنترل و مدیریت آن در آینده. *اکوهیدرولوژی*, ۴(۴)، ۹۲۱-۹۴۲.

[10.22059/IJE.2019.283004.1137](https://doi.org/10.22059/IJE.2019.283004.1137)

شیخان، ر؛ غضنفری، ف؛ جدیدی، ف؛ آدینه، م. و صدرمحمدی، ر. (۱۳۹۵). سبک های دلبلستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به عنوان پیش بینی کننده های اختلال استرس پس از سانحه در جانبازان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نامه دانشگاه)*, ۲۶(۲۶)، ۹۵-۱۰۴.

<http://jmums.mazums.ac.ir/article-1>

گنجی، م؛ محمدی، ج. و تبریزیان، ش. (۱۳۹۲). مقایسه تنظیم هیجان و مکانیسم های دفاعی در مادران دارای دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. *ناتوانی های یادگیری*, ۲(۳)، ۵۴-۷۲.

[JLD-2-3-92-2-4](https://doi.org/10.2-3-92-2-4)

گودرزی، م (۱۳۸۲). بررسی اعتبار و روایی مقیاس اختلال تندیگی پس از ضربه می سی سی پی (اشن). *محله روانشناسی*, ۷(۲)، ۱۵۳-۱۵۸.

<http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=4880>

نصیرزاده، ش. و کراسکیان، آ. (۱۳۹۵). مقایسه رابطه میان طرح وارههای ناسازگار اولیه، ساز و کارهای دفاعی و تیپ شخصیتی D در افراد دارای دلبلستگی ایمن و نایمن. *محله اصول بهداشت روانی*, ۱۹(۲)، ۹۶-۱۰۴.

[10.22038/JFMH.2017.8496](https://doi.org/10.22038/JFMH.2017.8496)

نعماعی، ع. و پورمیدانی، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی گرایش به آرایش براساس طرح‌وارههای ناسازگار اولیه در زنان و دختران شهر اصفهان. پژوهش های روان شناختی اجتماعی, ۲۷(۱)، ۷۸-۶۸.

[https://www.socialpsychology.ir/article\\_67113.html](https://www.socialpsychology.ir/article_67113.html)

Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 181(4), 246–256. <https://doi.org/10.1097/00005053-199304000-00006>

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5* (Vol. 5). Washington, DC: American psychiatric association.

Barazzzone, N., Santos, I., McGowan, J., & Donaghay-Spire, E. (2019). The links between adult attachment and post-traumatic stress: A systematic review. *Psychology and psychotherapy: theory, research and practice*, 92(1), 131-147. <https://doi.org/10.1111/papt.12181>

Black, T. S. N. (2019). *The Relationship between Trauma and Substance Abuse among Women: An Examination of Treatment Outcomes, Spirituality and Attachment Theory in Recovery* (Doctoral dissertation, The Chicago School of Professional Psychology).

Bodfield, K. S., Putwain, D. W., Carey, P., & Rowley, A. (2020). A construct validation and extension of the adolescent attachment questionnaire (AAQ). *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(12), 3070–3082. <https://doi.org/10.1177/0265407520951267>

Bryant, R. A., Creamer, M., O'donnell, M., Forbes, D., Felmingham, K. L., Silove, D., ... & Nickerson, A. (2017). Separation from parents during childhood trauma predicts adult attachment security and post-traumatic stress disorder. *Psychological Medicine*, 47(11), 2028-2035. doi:10.1017/S0033291717000472

Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, 40, 126-130. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2020.08.020>

Cramer, P. (2015). Defense mechanisms: 40 years of empirical research. *Journal of Personality Assessment*, 97(2), 114-122. <https://doi.org/10.1080/00223891.2014.947997>

Di Giuseppe, M., Ciacchini, R., Micheloni, T., Bertolucci, I., Marchi, L., & Conversano, C. (2018). Defense mechanisms in cancer patients: a systematic review. *Journal of psychosomatic research*, 115, 76-86. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2018.10.016>

Di Giuseppe, M., Ciacchini, R., Piarulli, A., Nepa, G., & Conversano, C. (2019). Mindfulness dispositions and defense style as positive responses to psychological distress in oncology professionals. *European Journal of Oncology Nursing*, 40, 104-110. <https://doi.org/10.1016/j.ejon.2019.04.003>

Di Giuseppe, M., Perry, J. C., Conversano, C., Gelo, O. C. G., & Gennaro, A. (2020). Defense mechanisms, gender, and adaptiveness in emerging personality disorders in adolescent outpatients. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 208(12), 933-941. doi: 10.1097/NMD.0000000000001230

Eckstein-Madry, T., Piskernik, B., & Ahnert, L. (2021). Attachment and stress regulation in socioeconomically disadvantaged children: Can public childcare compensate?. *Infant Mental Health Journal*, 42(6), 839-850.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.52.3.511>

<https://doi.org/10.1002/imhj.21878>

Jin, Y., Xu, J., & Liu, D. (2014). The relationship between posttraumatic stress disorder and post traumatic growth: gender differences in PTG and PTSD subgroups. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 49(12), 1903-1910. <https://doi.org/10.1007/s00127-014-0865-5>

Kampe, L., Bohn, J., Remmers, C., & Hörz-Sagstetter, S. (2021). It's Not That Great Anymore: The Central Role of Defense Mechanisms in Grandiose and Vulnerable Narcissism. *Frontiers in psychiatry*, 12, 661948. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.661948>

Kaya, Y., & Aydin, A. (2021). The Mediating Role of Early Maladaptive Schemas in the Relationship Between Attachment and Mental Health Symptoms of University Students. *Journal of Adult Development*, 28, 15-24. <https://doi.org/10.1007/s10804-020-09352-2>

نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلپیشگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق قلا  
The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of ...

- Ke, T., & Barlas, J. (2020). Thinking about feeling: Using trait emotional intelligence in understanding the associations between early maladaptive schemas and coping styles. *Psychology and Psychotherapy: theory, research and practice*, 93(1), 1-20. <https://doi.org/10.1111/papt.12202>
- Knoll, M., Starrs, C. J., & Perry, J. C. (2020). Rationalization (defense mechanism). *Encyclopedia of personality and individual differences*, 4301-4305. [10.1007/978-3-319-24612-3\\_1419](https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_1419)
- Mao, W., Eboreime, E., Shalaby, R., Nkire, N., Agyapong, B., Pazderka, H., Obuobi-Donkor, G., Adu, M., Owusu, E., Oluwasina, F., Zhang, Y., & Agyapong, V. I. O. (2022). One Year after the Flood: Prevalence and Correlates of Post-Traumatic Stress Disorder among Residents in Fort McMurray. *Behavioral Sciences*, 12(3), 69. <https://doi.org/10.3390/bs12030069>
- Marshall, E. M., & Frazier, P. A. (2019). Understanding posttrauma reactions within an attachment theory framework. *Current opinion in Psychology*, 25, 167-171. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.08.001>
- Oettingen, J., Chodkiewicz, J., Maćik, D., & Gruszczynska, E. (2017). Polish adaptation of the Young Schema Questionnaire 3 Short Form (YSQ-S3-PL). *Psychiatria Polska*, 82, 1-12. DOI: <https://doi.org/10.12740/PP/OnlineFirst/76541>
- Pietromonaco, P. R., & Powers, S. I. (2015). Attachment and health-related physiological stress processes. *Current opinion in psychology*, 1, 34-39. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2014.12.001>
- Sala, M. N., Testa, S., Pons, F., & Molina, P. (2015). Emotion regulation and defense mechanisms. *Journal of Individual Differences*, 36(1), 19-29. <https://doi.org/10.1027/1614-0001/a000151>
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 19-24. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.006>
- Vasilopoulou, E., Karatzias, T., Hyland, P., Wallace, H., & Guzman, A. (2020). The mediating role of early maladaptive schemas in the relationship between childhood traumatic events and complex posttraumatic stress disorder symptoms in older adults (> 64 years). *Journal of loss and trauma*, 25(2), 141-158. <https://doi.org/10.1080/15325024.2019.1661598>
- Walburg, V., & Chiaramello, S. (2015). Link between early maladaptive schemas and defense mechanisms. *European Review of Applied Psychology*, 65(5), 221-226. <https://doi.org/10.1016/j.erap.2015.07.003>
- Young, J. E., & Brown, G. (1994). Young schema questionnaire. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*, 2, 63-76. <https://doi.org/10.1023/A:1016231902020>
- Zeynel, Z., & Uzer, T. (2020). Adverse childhood experiences lead to trans-generational transmission of early maladaptive schemas. *Child abuse & neglect*, 99, 104235. <https://doi.org/10.1016/j.chabu.2019.104235>